

افتادن در گل و لای ننگ نیست، ننگ این است که آنجا بمانی.

www.mandegardaily.com

سال هفتم: شماره ۱۵۱۲: شنبه ۲۲ حمل / فروردین ۱۳۹۴: ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۳۶: ۱۱ اپریل ۲۰۱۵

چرا دولت وحدت ملی ناکام شد؟

بن بست در تشکیل دولت وحدت ملی



هرچند بسیاری، به گونه اشتباه بحث ناکارآمدی دولت وحدت ملی و همچنان دو سره بودن حاکمیت را باعث این ناکامی میدانند، بدون اینکه متوجه باشند که هنوز نه دولت وحدت ملی متولد شده و نه هم تغییر نظام سیاسی قانونا تثبیت گردیده است تا ایرادشان موجه نماید.



صفحه ۶

صفحه ۶

خانواده فتح محمد (سربازی که هفته گذشته سر بریده شد):

سرباز سر بریده شده در جمع ۳۱ گروگان بود

فیض محمد مامای قربانی در پاسخ به این پرسش که پس از کشته شدن خواهرزاده‌ات دولت با شما در تماس شده است، گفت: «هیچ... هیچ... به نظر دولت یک پشه کشته شده. سرباز بودن و خدمتگار بودن به دولت یعنی چی؟! ... جوانان مردم، سربازان اردو شهید می‌شوند، اما هیچ کس پرسش‌شان را نمی‌کند.» پدر و مادر فتح محمد کهن‌سال هستند و از طریق معاش یگانه فرزندشان امرار حیات می‌کردند. فیض محمد گفت: «پدر ریش سفید و مادر پیچه سفید فتح محمد، بالا خدا و پایین بچه‌شان را سیل داشتند که حالا او دیگر زنده نیست.» به گفته او، این سرباز ارتش نامزاد بود و به دلیل ناتوانی اقتصادی و فقر عروسی کرده نتوانست. او گفت که از دولت افغانستان دیگر توقعی ندارند، فقط این که جسد شهیدشان را پیدا کنند و به آنان تحویل دهند.

صفحه ۳



وضعیت رقت‌بار بیجا شده‌گان ولایت پنجشیر در پروان

مهاجرین و بیجا شده‌گان ولایت پنجشیر که اکنون در دشت باریک‌آب ولایت پروان در زیر خیمه‌ها به سر می‌برند می‌گویند که دولت و هیچ نهادی به حال آنها توجه نکرده است. این مهاجران که پس از رویداد طبیعی ولایت پنجشیر بیخانمان شده‌اند، مدتی را در منطقه دشت لنگرخان ولایت پنجشیر و پس از آن در منطقه باریک‌آب در ولایت پروان نقل مکان کرده‌اند.



این خانواده‌ها اکنون در زیر خیمه‌ها روی زمین نمناک باریک آب شب و روز به سر می‌برند و از همه امکانات زنده‌گی محروم هستند. آنان به روزنامه ماندگار گفته‌اند که از ابتدایی‌ترین امکانات برخوردار نیستند و نان شب و روز خود را ندارند. این بیجا شده‌گان می‌گویند که فقط مردم محل با آنان همدردی‌هایی داشته است؛ اما هیچ کمکی از جانب نهادهای حکومتی و نهادهای خیریه به آنان نشده است. بیجا شده‌گان که تعدادشان به

ادامه صفحه ۶

عبدالله در خیمه تحصن:

در رهایی ۳۱ گروگان مسافر

بی تفاوت نیستیم



رییس اجرایی حکومت وحدت ملی، روز گذشته با حضور در خیمه تحصن خانواده ۳۱ مسافری که حدود پنجاه روز پیش در شاهراه قندهار کابل ربوده شدند، گفت دولت در مورد سرنوشت این گروگان‌ها «بی تفاوت» نیست و تلاش‌ها برای رهایی آنها ادامه دارد.

این خانواده‌ها و شماری...

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



تلخ‌ترین طنز
زمانه
صدای صلح
و قانونیت
در حلقوم یک
تقلب‌کار

خشونت در
نظرگاه
انتقادی
اسلاوی ژیتیک



یادی از
آن پیر
چله‌نشین



بهشت
معتادان
کابل



علی پارسا

تلخ‌ترین طنز زمانه

صدای صلح و قانونیت در حلقوم یک قلب کار



آرشیف

امرخیلی که در صورت قانون‌گرایی حکومت وحدت ملی تا کنون باید با عنوان خائن ملی، آراسته می‌شد و در پشت میله‌های زندان با ملاقات‌کننده‌گانش از خاطره‌های خوش گوسفند چاق کردن سخن می‌گفت، حالا در قامت یک شخصیت ملی از ریشه‌های رشد مخالفان مسلح و دشمنان کشور می‌گوید. آقای امرخیل باید بداند که سخنان او هر چند هم که به ظاهر شیرین باشد و رنگ و بوی ملی داشته باشد، اما خاطرات بن‌بستی را که در کشور به وجود آورد انتخابات را بی‌معنا ساخت و کشور را به سطح سقوط رساند، همه مردم افغانستان و به خصوص تاریخ این سرزمین به خاطر خواهد داشت. سخن گفتن امرخیل از قانون و منافع ملی مانند مرثیه سرآیدن ملاعمر در وصف حقوق بشر است که هر دو چیزی جز طنز تلخی برای مردم افغانستان و جهانیان نخواهد بود. در حکومت وحدت ملی کنونی که دیده می‌شود حالا به انحصار اقتدارگرایی‌ها و تک‌روی‌های رییس‌جمهور غنی و حلقه نزدیکانش قرار گرفته، شکی هم نیست که استراتژی صلح آن براساس سخنان عالمانه آقای هلال و اظهارات وطن‌پرستانه آقای امرخیل پایه ریخته شود. وقتی رییس‌جمهور غنی قانع می‌شود که با جسارت کامل از هر بهایی کمتر از بهای جنگ برای صلح استقبال می‌کند، بی‌گمان ذهن به سمت خوش‌خیالی‌های هلال و امرخیل متبادر می‌شود. هرچند که شاید آقای غنی و یارانش حالا بیش از هر کس دیگری بفهمد که راهی را که در پیش گرفته نه به صلح ختم می‌شود و نه به رضای جامعه. او حالا باید به خوبی دریافته باشد که مردم حالا چندان هم خیر او امیدوار نیستند و تنها چیزی که از او می‌خواهند هم همین است که فقط با این بازی‌های مبهم و رازآلودت «شر مرسان»!

اسلامی و کسی که سال گذشته در همین ایام منتظر جلب رای چندملیونی مردم بود، مردم و نظام جدید پساتالبانی در بیش از یک دهه گذشته با تمام تلفاتی که داده‌اند در عرصه‌های مختلف ارزشی و حقوق بشری هیچ دستاوردی نداشته است. عجیب است که این یاران آقای حکمتیار تا کنون چگونه با چنین رویکردی سر به شورش نگذاشته‌اند و به جمع رهبر مبارزشان نپیوسته‌اند. اگر آنها ارزش‌های انسانی جدید را که در قانون اساسی افغانستان مسجل شده و همه مردم افغانستان تا امروز همواره برای آن قربانی داده‌اند را دستاورد قابل ملاحظه‌ای نمی‌دانند و بر قربانی کردن آنها به پای دشمنان کشور تاکید می‌کنند، با چه امیدی تا کنون حاضر به تبعیت از این نظام شده‌اند؟ مگر نه این است که آنها فرصت‌طلبانی هستند که در هر بازاری متاع خود را از طرق مختلف عرضه می‌کنند و با تغییر هر نظامی، آنها هم رنگ بدل می‌کنند.

آقای هلال و همه کسانی که در این محفل شعار «زنده‌باد حکمتیار» سر می‌دادند، باید بدانند که آنچه در این ۱۴ سال حتی از سوی آنها دستاورد تلقی نمی‌شود، ارزش‌های انسانی بزرگی است که مردم افغانستان حاضر هستند برای حفظ آنها تا پای جان ایستادگی کنند. آقای هلال اگر شکی در این مدعا دارد، به نتایج انتخابات گذشته برگردد و میزان رای خود و آرای هموعان خود را با همیاری امرخیل باز شمارد. او بدون شک با این بازشماری هرچند که با سخاوتمندی‌های امرخیل - همراه باشد، خواهد فهمید که مردم افغانستان چه می‌خواهند، به چه ارزش‌هایی باور دارند، از چه کسانی بیزار می‌جویند و چه چیزی را دستاورد می‌انگارند!

در آن سوی دیگر حضور آقای امرخیل هم در این محفل و سخن گفتن او از قانون و قانون‌شکنی طنز دیگر زمانه شده است.

برگزاری محفل بزرگی در قلب شهر کابل که در آن شعار «زنده‌باد حکمتیار» سر داده می‌شود و سخنرانان آن از مصالحه بی‌قید و شرط با طالبان سخن می‌گویند، چندان هم شگفت‌آور نیست! حتی اگر در این محفل، قانون‌شکن و متقلب بزرگی چون ضیال‌الحق امرخیل از «قانون‌شکنی و آزار و اذیت مردم» بنالد، باز هم چندان متعجب‌کننده نخواهد بود! چون این جا کابل، پایتخت حکومت وحدت ملی است!

در کشوری که ارگ آن برای گدایی صلح، سیاست خارجی خود را تا سطح تصمیم‌گیری‌های شورای علما تقلیل می‌دهد و مواضع کلان منطقه‌ای و جهانی خود را یک‌شبه بدل می‌کند، شعارهای حکمتیاری سر دادن و به طبل مذاکره بی‌قید و شرط با طالبان کوفتن، چندان هم دور از تصور نیست. در کشوری که رییس‌جمهور آن در استراتژیک‌ترین نقطه جهان در واشنگتن، از سران طالبان رسماً پوزش می‌طلبد، چنین موضع‌گیری‌هایی از سوی وابستگان حکمتیار و تقلب‌پیشه‌گانی چون امرخیل دور از تصور نیست. در کشوری که شورای امنیت ملی آن برای جلب نیم‌نگاه پادشاه سعودی، پا به جنگ نیابتی یمن می‌گذارد و نه برای خشنودی خدا، بلکه برای خشنودی یکی از بزرگ‌ترین حامیان مادی و معنوی طالبان شمشیر می‌زند، توقع بیشتری هم نمی‌توان از نشست‌هایی چون نشست روز پنج‌شنبه داشت.

در این نشست که تحت عنوان «اسلام دین برابری؛ نه دین بنیادگرایی» از سوی حزب اسلامی در کابل برگزار شده بود، قطب‌الدین هلال نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین، بارها تاکید کرد که حکومت نباید برای مذاکره با طالبان پیش‌شرط بگذارد و به علاوه حکومت نباید برای مذاکره با طالبان بر طبل دستاوردهای نداشته‌اش بکوبد! به این ترتیب از دید این رهبر حزب

سخن‌ماندگار

اتهام‌ها بررسی شوند

عدم بررسی اتهام‌های کلان علیه برخی از مسوولان و دولت‌مردان طی سیزده سال اخیر، همواره باعث افزایش بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسوولان و نهادهای دولتی شده است.

چندی پیش در پیوند به یک حمله انتحاری در میان راهپیمایان در ولایت خوست، یک نماینده این ولایت ادعا کرد که فرد انتحاری از خانه والی خوست بیرون شده و خود را در میان مردم منفجر کرده است. اما این اتهام با همه سنگینی‌بی که داشت، از جانب هیچ مرجعی پی‌گیری نشد. اکنون نیز یک نماینده مجلس، شماری از نامزدوزیران و یک نماینده دیگر مجلس را متهم کرده که آن‌ها برای رای‌گیری و رای‌دهی، بساط فساد و رشوت راه انداخته‌اند.

اما هیچ مرجعی نیست که این قضیه را پی بگیرد. اخیراً مجلس وارد بحث فساد در میان نمایندگان شده و گروه پارلمانی صبا، گروه پارلمانی کاروان صلح را به فساد متهم کرده است. به‌خصوص ظاهر قدیر، معاون اول مجلس که در عین حال رییس یک گروه پارلمانی است، به گرفتن رشوه یا دست‌کم درخواست رشوه از نامزدوزیران متهم شده است.

متهم‌کننده‌گان هم شماری از نمایندگان دیگر مجلس از جمله اقبال کوهستانی، رییس گروه پارلمانی صباست. اگرچه اتهام‌هایی که آقای کوهستانی مطرح کرده، توسط ظاهر قدیر رد شده؛ اما داستان این اتهام بستن‌ها و رد کردن‌ها، به بحث گرم رسانه‌ها تبدیل شده است.

بحث رشوه‌پردازی و رشوه‌دهی در مجلس نمایندگان تازه‌گی ندارد و از آغاز روی کار آمدن شورای ملی، بارها مطرح شده و حالا نیز به یک رویکرد غالب در مجلس تبدیل شده است. البته شکی نیست که تعدادی از نمایندگان مجلس، انسان‌های پاک و بااحساس‌اند. ولی هستند کسانی هم که فقط نماینده‌گی از مردم را برای درو کردن پول می‌خواهند و روزهای رای‌دهی و استیضاح و مناسبت‌هایی از این قبیل، برای آن‌ها فرصت‌های طلایی شمرده می‌شود.

شماری از نامزدوزیران و وزیران در ده سال گذشته تلاش کردند که از طریق دادن رشوه به برخی از نمایندگان، برای خود رای بخرند. از این رو، خرید و فروش رای رفته‌رفته به رویکردی غالب در مجلس نمایندگان بدل شد. این‌جاست که وقتی مسأله فساد و رشوه در پارلمان و در میان نماینده‌های مجلس مطرح می‌شود، نمی‌توانیم به رد و انکار آن بپردازیم.

البته هستند نمایندگان پاک و صادقی که فکر فاسد و دست‌آلوده ندارند و هیچ‌گاه رأی‌شان را در برابر پول به صندوق نریخته‌اند؛ اما مسلماً زمانی که بحث فساد در مجلس مطرح می‌شود، ناخواسته اعتبار همه نماینده‌های ملت زیر سوال می‌رود.

بحث فساد در مجلس از بحث‌هایی است که باید مورد توجه رسانه‌ها قرار گیرد و نماینده‌هایی که اهل رشوت و خیانت و فروش رای نیستند، باید در این زمینه افشاسازی کنند و چهره‌های دوگیر و فسادپیشه مجلس را به مردم بشناسانند.

اما وقتی که شماری از نمایندگان، بحث فساد در مجلس را مطرح و حداقل یکی از نماینده‌ها را به فساد متهم می‌کنند، باید این اتهام از جانب هیأت اداری مجلس و دیگر نهادهای مربوط به‌صورت بنیادی مورد بررسی قرار گیرد تا صحت و سقم مسأله روشن گردد. ولی متأسفانه بارها دیده شده که برخی از اعضای مجلس نمایندگان یکدیگرشان را به فساد متهم کرده‌اند، اما هیچ مرجعی این اتهام‌ها را بررسی نکرده است.

حالا بسیاری از مردم، مجلس نمایندگان را به‌جای خانه ملت، به نام خانه فاسدان و رشوت‌گیران می‌شناسند و اگر این اتهام‌ها پی‌گیری نشود، این نام بر مجلس باقی می‌ماند و این نهاد بسیار مهم، اعتبار و وجهت خود را برای همیشه از دست خواهد داد!

خانواده فتح محمد (سربازی که هفته گذشته سر بریده شد):

سرباز سر بریده شده در جمع ۳۱ گروگان بود

روزنامه ماندگار

یک سرباز ارتش که اخیراً از سوی «جنبش حرکت اسلامی ازبکستان» سر بریده شده، از جمع ۳۱ نفری بوده که در ولایت زابل گروگان گرفته شده‌اند.

جنبش حرکت اسلامی ازبکستان، هفته گذشته ویدیویی را به نشر سپرد که در آن یک سرباز ارتش افغانستان را سر می‌برد.

به دنبال انتشار ویدیوی سر بردن این سرباز، اداره امنیت ملی گفت که این ویدیو ربطی به گروگانگیری ۳۱ تن در زابل ندارد.

در این ویدیو، دو مردی که لباس‌های سیاه به تن دارند و صورت‌های آنها پوشیده است، هشدار می‌دهند که اگر دولت خواست‌های کسانی را که مجاهدین می‌خوانند برآورده نکند، همه اسیرانی را که هزاره هستند به همین شکل خواهند کشت.

امنیت ملی گفته که فتح محمد «سرباز پیشین» ارتش بوده؛ اما خانواده قربانی می‌گوید که فتح محمد از دو سال بدین سو سرباز ارتش بوده و در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار ایفای وظیفه می‌کرده است.

یک عضو خانواده فتح محمد به روزنامه ماندگار گفت که او در جمع ۳۱ نفری بوده که از سوی طالبان به گروگان گرفته شده‌اند.

فیض محمد مامای این سرباز می‌گوید: فتح محمد در کندک دوم و تولی حمایه قول اردوی ۲۰۵ اتل در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار سرباز بود و تا یک ساعت پیش از گروگان‌گیری با آنان تماس داشت.

فیض محمد که به منظور دریافت جسد خواهرزاده‌اش از ولسوالی اندراب ولایت بغلان به کابل آمده است، گفت: «خواهر زاده‌ام عسکر بود در قول اردوی قندهار. بعد از شش ماه وظیفه می‌خواست به خانه بیاید. با او تماس تلفونی داشتیم. ناوقت روز از قندهار حرکت کرده بود. تا ساعت یک بجه هم تماس داشتیم. در آخر تماس گفت که در نزدیک زابل هستیم. اما پس از آن دیگر تماس ما با فتح محمد برقرار نشد.»

او گفت که این حادثه دقیقاً در روزی اتفاق افتاد که ۳۱ نفر از سوی داعش به گروگان گرفته شدند.

او افزود که به منظور پیدا کردن فتح محمد خودشان به قندهار رفتند؛ اما نتوانستند سراغی از وی بگیرند؛ تا این که خبر کشته شدن دو تن از گروگان گرفته شده‌ها را از طریق رادیو شنیدند.

مامای سرباز قربانی خاطر نشان ساخت که آنها ابتدا فکر نمی‌کردند که فتح محمد در میان این دو تن باشد؛ اما پس از آن‌که در فیسبوک‌ها و رسانه‌ها، ویدیوی کشته شدن فتح محمد را دیدند، پی بردند که او به شهادت رسیده است. فیض محمد در پاسخ به این پرسش روزنامه ماندگار که پس از کشته شدن خواهرزاده‌ات دولت با شما در تماس شده است، گفت: «هیچ... هیچ. به نظر دولت یک پشه کشته شده. سرباز بودن و خدمتگار بودن به دولت یعنی چی؟! ... جوانان مردم، سربازان اردو شهید می‌شوند، اما هیچ کس پرسانش را نمی‌کند.»

مامای فتح محمد افزود: خواهرزاده‌اش از دو سال بدین سو در ارتش کار می‌کرد و یگانه فرزند نان‌آور خانواده چهار نفری شان بود. او گفت که پدر و مادر فتح محمد کهن سال هستند و از طریق معاش یگانه فرزند شان امرار حیات می‌کردند.

فیض محمد گفت: «پدر ریش سفید و مادر پیچه سفید فتح محمد، بالا خدا و پایین بچه شان را سیل داشتند که حالا او دیگر زنده نیست.»

به گفته او، این سرباز ارتش نامزد بود و به دلیل ناتوانی اقتصادی و فقر عروسی کرده نتوانست.

او گفت که از دولت افغانستان دیگر توقعی ندارند، فقط این که جسد شهیدشان را پیدا کنند و به آنان تحویل دهند.

بهشت

معتادان کابل

میان افرادی که از اینجا مرخص می‌شوند بسیار بالاست. غلام خان یک سرباز ارتش ملی افغانستان است. او از یک تیراندازی شدید در ولایت هلمند جان سالم به در برد. او از بیماران مرکز توانبخشی جنگلک است و جای جراحات خود را به ما نشان داد. یکی از اصلیترین دلایلی که برای میزان بالای اعتیاد در افغانستان ذکر می‌شود، آسیب‌های ناشی از جنگ است. غلام خان همچنان از دردی که جراحاتش برایش ایجاد می‌کند رنج می‌برد و مدعی است که مواد مخدر تنها تسکین بخش اوست. خانواده‌اش او را رها کرده‌اند و جراحاتش باعث شده نتواند به راحتی شغلی بیابد.

فاروق، ۵ ساله، از سندروم پرهیز نوزادی رنج می‌برد. دلیل ابتلای او به این سندروم، مصرف هرویین توسط مادرش در دوران بارداری بوده است. این سندروم باعث ایجاد معلولیت‌های اعصاب، و عوارض دردناکی همچون تب، تشنج، اسهال و استفراغ در فاروق شده است.

نیروی واکنش سریع ضد مواد مخدر در حال انجام مانور. متأسفانه خود نیروی پلیس افغانستان شدیداً به فساد آلوده است. از طرفی یک بررسی از سوی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲ نشان داد که ۴۱ درصد نیروهای پلیس افغانستان، مواد مخدر مصرف می‌کنند.

امیر شاه، یکی مسئولان ارشد در امر آموزش ماموران



نیروی واکنش سریع ضد مواد مخدر است. او می‌گوید: «ما سه جرم عمده داریم: مواد مخدر، فساد، و تروریسم. مهمترین نشان مواد مخدر است، چرا که فساد در ادارات و تروریسم به مدد آن است که فرصت ادامه حیات می‌یابند.» مسئولان ارشد دولتی، از جمله برادر حامد کزازی، به حضور در این صنعت دو میلیارد و ششصد میلیون پوندی متهم شده‌اند.

هر ساله، ۶۰۰ مامور مرد و ۳۰ مامور زن پس از شش ماه آموزش از آکادمی پلیس کابل فارغ التحصیل می‌شود.

عبداله، ۳۶ ساله، ۱۹ سال است که به هرویین و تریاک معتاد است. با وجود داشتن همسر و پنج فرزند در جلال آباد، او در پنج تلاشی که برای ترک داشته است، ناموفق بوده است. او علت عدم موفقیتش را نبود فرصت شغلی مناسب می‌داند.

گروهی از جوانان بیکار در حال حشیش کشیدن در قبرستان «کارت ساخی». آنها نبود فرصت شغلی مناسب را مهمترین مانع برای ترک می‌دانند: «بلایی که جنگ بر سر اقتصاد و جامعه ما آورده، دلیل روی آوردن ما به این است. شغل و پول در استانهای خودمان وجود ندارد.» بر اساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۳، تجارت غیرقانونی مواد مخدر، ۲۳ درصد از تولید ناخالص ملی افغانستان را تشکیل می‌دهد و یک ستون حیاتی برای اقتصاد فلج شده این کشور محسوب می‌شود.

اجتماعی که زیر پل سوخته شکل گرفته، روز به روز شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. با وجود این شرایط اینجا مشمشکننده است، یک بازار موقت در آن شکل گرفته است. با آمدن زمستان، باران و آبدار شدن رودخانه، اجتماع معتادان دوباره در سطح شهر پراکنده خواهند شد.

حسبب الله می‌گوید: «اینجا جهنم است. ما میان خاک و گه می‌خواهیم. همه همیشه در حال دعوا هستند، اما به محض اینکه تزریق می‌کنند به خواب می‌روند، می‌افتند و یادشان می‌روند کجا هستند. وقتی کسی می‌میرد، دولت می‌آید و جسدش می‌برد و نگه می‌دارد تا خانواده‌اش برای بردنش بیاید. اینجا دستیار دکتر هست، فارغ التحصیل دانشگاه هست، سرباز سابق هست-آنها مشکل خانوادگی دارند، عزیزی را در جنگ از دست داده‌اند، مشکل اقتصادی دارند. بعضیشان زمانی پولدار بودند. آنها تفنی شروع کردند و حالا نمی‌توانند مواد را کنار بگذارند.»

اینجا جهنم است. ما میان خاک و گه می‌خواهیم. همه همیشه در حال دعوا هستند، اما به محض اینکه تزریق می‌کنند به خواب می‌روند، می‌افتند و یادشان می‌روند کجا هستند. وقتی کسی می‌میرد، دولت می‌آید و جسدش می‌برد و نگه می‌دارد تا خانواده‌اش برای بردنش بیاید. اینجا دستیار دکتر هست، فارغ التحصیل دانشگاه هست، سرباز سابق هست-آنها مشکل خانوادگی دارند، عزیزی را در جنگ از دست داده‌اند، مشکل اقتصادی دارند. بعضیشان زمانی پولدار بودند. آنها تفنی شروع کردند و حالا نمی‌توانند مواد را کنار بگذارند.

وحید، ۵۳ ساله، ۲۳ سال است که به هرویین اعتیاد دارد. او به اتفاقی از هرویینی‌های دیگر در استادیوم مشغول استعمال هرویین به روش‌های مختلف هستند. او ۹ سال در ایران پناهنده بوده است.

معتادان در حال ترک در مرکز توانبخشی دولتی «جنگلک» واقع در کابل. اینجا یکی از تنها نهادهایی در این شهر است که چنین خدماتی ارائه می‌کنند. این مرکز میزبان ۳۰۰ بیمار است. برنامه ترک مواد در این مرکز سه هفته طول می‌کشد، و در طول این مدت به بیماران غذا، دارو و لباس داده می‌شود. اگرچه بسیاری از کسانی که در این مرکز بستری هستند، بسیار مشتاق به نظر می‌رسند، ولی میزان بازگشت دوباره به مواد در



بخش نخست



بخش سوم

خشونت در نظرگاه انتقادی اسلام‌وی ژیزک

کیانوش دل‌زنده

نقش نوآورانه لاکان در مقوله «خشونت» که مورد توجه ژیزک بوده و محل تفسیرهای متمایز از خشونت‌طلب بودن او، شک و تردید بر این رویه کانتی در باب آزادی در «نقد عقل عملی» می‌باشد؛ آنجایی که با مثال شگفت‌انگیز به اثبات وجود آزادی می‌پردازد: «عاشقی را مجسم می‌کند که به او حکم داده می‌شود از بی‌رویه‌گی عواطف بپرهیزد؛ فرض کنیم کسی در گفت‌وگویی از گرایش لذت‌جویی خود تصدیق کند که اگر معشوق حاضر و فرصت داشته باشد، امکان ندارد بتواند در برابر تمایل خود مقاومت کند؛ حال اگر در برابر خانه‌یی چوبه‌داری برافرازد تا بی‌درنگ پس از آن که خواست خود را برآورد به دارش

مرگ برای کانت قوی‌تر می‌باشد، چرا که قانون اخلاق برای تعدیل قدرت عواطف، خود را با نوعی خشونت تحمیل می‌سازد، به همین نحو، حتا برای کانت حکم قاطع و نامشروط اخلاقی بوی سنگدلی می‌دهد. نزاع این دو گزاره ساد-کانت که لاکان ساد را به کانت ترجیح می‌دهد، سوبه اخلاقی‌گری ژیزک می‌باشد. به‌نحوی که او، در این رابطه حق را به لاکان می‌دهد و حقیقت سخت‌گیری اخلاقی کانت را سادیسیم قانون می‌نامد. که حتا با گرایش اخلاقی بی‌طرفانه والا به نوعی همانند می‌باشد، خشونت بی‌قیدوشرط در خشونت لذت، خشونت عربانی که در برابر خشونت پنهان قانون و مناسبات اخلاقی موضع‌گیری می‌کند. ژیزک طرح روان‌کاوی لاکان را باز تعریف می‌کند

نقطه درک جوهر بوده‌گی در جهان معاصر می‌باشد که پر از تلق‌های مصنوعی برای تلقین عواطف کاذب می‌باشد که برای ژیزک خود دلیل حضور خشونت بود و همین خشونت خود اخلاقی‌ست. کمبودها، نواقص‌ها، کاستی‌های سوژه در نگاه روان‌کاوانه لاکانی ژیزک چیست؟ و چرا آن خودمداری از آن نوع آزادی که مد نظر کانت در جستار بالاست، در سوژه ژیزکی پیدا نمی‌شود که بتواند در برابر خشونت بایستد و به حکم عقل خشونت را کنترل کند؟ می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: الف) حضور سوپراگو در درون سوژه؛ ب) حضور دیگری در بیرون. که هر یک به نحوی از انحا سوژه را برای تحقق «میل» که می‌توان «میل به آزادی» تعبیر کرد؛ از عقل خودمختار خلع سلاح می‌سازد.

الف: ژیزک با استمداد از سه‌گانه فرویدی (اگو، سوپراگو، اید) به سوبه ذاتی و پنهان به نام «ناخودگاه یا همان سوپراگو» اشاره می‌کند که با ایجاد شرایط و بستری برای سوژه، او را خود به خود به اعمال خشونت سوق می‌دهد. اما چرا سوپراگو «سوژه» را از خودمختاری عقل و توانایی او در کنترل خشونت ناتوان می‌گرداند؟ خاصیت برتر سوپراگو که این امر را به وجود می‌آورد این می‌باشد که سوژه هرچقدر از او بیشتر اطاعت کند، بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرد. منطق فرویدی سوپراگو در نگاه ژیزک عاملی است که سوژه بالذات موجودی خشن است و خشونت را برای رضایت سوپراگو اعمال می‌کند؛ به نحوی که سوژه با یک ناخودگاه که از طریق عذاب وجدان او را از میل ورزیدن باز می‌دارد مواجه نیست، بلکه سوژه با ناخودگاهی روبه‌روست که اتفاقاً برعکس، سوژه را تحت فشار می‌گذارد که بیشتر میل بورزد و از آنجایی که سوژه ناتوان از میل‌ورزی است، دچار عذاب وجدان می‌شود. مثالی از ژیزک در نقد «فلم روانی آلفرد هیچکاک وجود دارد»، که مبنای تئوری از وضعیت طرح شده به ما ارایه می‌دهد. چه‌گونه سوپراگوی فردی و ساختار درونی انسان که مبتنی بر سه‌گانه (اید، سوپراگو، اگو) است، موجبات خشونت را فراهم می‌آورد و قانون موجبات خشونت بیرونی را. او با تشریح این فلم می‌خواهد به ما بگوید چه‌گونه «انسان در عصر پسامدرنیته انشقاق پیدا کرده و به دو نیم تقسیم شده است. نیمی خیر و نیمی شر. نیمی نمود و نیمی بازنمود. انسانی که به‌ظاهر به‌شدت از قانون پیروی می‌کند ولی در عین حال خود نقض‌کننده اصلی قانون است. انسانی که به‌شدت تحت تأثیر اقتدار مادرش است ولی او پیش خود مادرش را به قتل رسانده است. انسانی که شعار تسامح می‌دهد ولی در باطن یکی از عوامل خشونت است.» (Kay, 2004: 81)



تا به نواقص و ضعف سوژه اشاره کند. کمبودها و ضعف ذاتی که اتفاقاً با تحریک مناسبات اخلاقی و قانون به اعمال خشونت تحریک می‌شوند؛ شبیه حکایت معلمی که شاگردانش را با طرح مسایل غیر ممکن و حل نشدنی آزار می‌دهد و مخفیانه از ناتوانی آن‌ها لذت می‌برد. این که سوژه می‌تواند «از قهوه بدون کافیین، آبجوی بدون الکل، سکس بدون تماس جسمی مستقیم، و حتا واقعیت مجازی لذت ببرد، واقعیتی که خود از جوهر مادی ساکن و لختش تهی است. در همین راستا [سوژه] می‌تواند «دیگری» قومی‌یی داشته باشد عاری از جوهر بوده‌گی...» (ژیزک، پیشین، ۱۳۸۸: ۳۴۶) خلاصه کلام همین

کشند، آیا او بر تمایل خود غلبه نخواهد کرد؟» (فرايا، ۱۳۹۰: ۲۰) در مقابل این مثال، لاکان مثالی نقض می‌آورد «که دل‌باخته‌یی، نابینا از آن که مسأله شرف را با دل‌باخته‌گی درآمیزد، برای کانت مسأله آفریند و او را می‌دارد که بپذیرد کسانی هستند که هیچ فرصتی آنان را مسلماً بیش از پرداختن با چوبه‌دار، حتا بی‌اعتنایی به آن، در شتافتن به سوی هدف و می‌دارد. در این صورت، خشونت دیگر نه مانع آزادی بلکه سبب لذت خوشبختی در بدی می‌شود.» (فرايا، ۱۳۹۰: ۲۱) این مناظره لاکانی و کانتی به دو سوبه اشاره می‌کند، سوبه‌یی که مرگ را قربانی میل می‌کند و دیگری میل را قربانی مرگ، رانه

کنترل جمع در جلسات مذاکره

در هر مذاکره‌یی فردی وجود دارد که نقش کنترل‌کننده فضای مذاکره و ایجاد تعادل میان طرفین را ایفا می‌کند، بدون وجود این شخص چهار دسته از افراد یعنی سلطه‌طلبان، بی‌هدف‌ها، حاشیه‌پردازان و مشاجره‌کننده‌گان می‌توانند هر مذاکره‌یی را به یک آشوب بی‌نتیجه تبدیل کنند.

فرقی نمی‌کند در چه جایگاهی هستید، رییس هیأت امنای یک شرکت بزرگ یا عضوی از شورای والدین یک مکتب، همیشه ممکن است در شرایطی قرار بگیرید که ناچار شوید فضای یک جلسه و مذاکره را کنترل و تعدیل کنید، در این مواقع فراموش نکنید جلسات مذاکره ممکن است برای همه بسیار انگیزاننده باشد، با این‌همه اگر نتوانید احساسات خود و دیگران را با خودداری از رفتارهای تحریک‌کننده کنترل کنید، به هیچ نتیجه‌یی نخواهید رسید. در ادامه این مقاله، با چهار گروه از افراد آشنا می‌شوید که اگر نتوانید کنترل‌شان کنید، ممکن است جلسات مذاکره‌تان را برهم بزنند.

هنر و درایت کنترل احساسات جمعی و آرام نگاه داشتن جو مذاکرات، یکی از دشوارترین بخش‌های هر مذاکره است، اما با قدری شکیبایی می‌توانید آن را بیاموزید.

برخورد با سلطه‌طلبان

سلطه‌طلبان کسانی هستند که نیاز دارند در هر فضای برتر باشند و بر محیط تسلط داشته باشند، آن‌ها فضای یک مذاکره سالم را برهم می‌زنند؛ زیرا نیاز دارند که بر هر فضایی احساس تسلط داشته باشند. در برخورد با این افراد باید قوی، قاطع و محکم باشید. در صورتی که فرد سلطه‌طلب را مهار نکنید، باید منتظر یک نزاع یا تنش در مذاکره یا بی‌بهره ماندن از نظرات سایرین باشید، برای کنترل اوضاع به این پیشنهادها توجه کنید:

- به گوینده یادآوری کنید که همکاری و موضوع صحبت وی جالب است تا غرورش را ارضا کنید.
- به او اعلام کنید که به نظرات دیگر شرکت‌کننده‌گان نیز نیاز دارید.
- دایماً نظرات دیگر افراد را خواستار شوید تا توازن به فضای مذاکره بازگردد.
- مانع از برخوردهای شخصی شوید.
- از مکث و وقفه سخن فرد سلطه‌طلب بهره ببرید و با تکرار مطالب مفید، فضا را به حالت عادی بازگردانید.

برخورد با افراد بی‌هدف

آدم‌های بی‌هدف در اغلب نشست‌ها و مذاکرات حضور دارند، آن‌ها حاشیه می‌روند و حضار را خسته می‌کنند. این افراد معمولاً فقط طالب توجه هستند و هدف دیگری جز سخن گفتن ندارند. به آن‌ها اجازه ندهید وقتی را که هر ثانیه آن در مذاکرات حیاتی است هدر بدهند. لازم است کنترل اوضاع را به دست بگیرید، فراموش نکنید که اگر از این افراد چشم‌پوشی کنید یا سعی کنید به آن‌ها اجازه ندهید نیازهایشان به توجه را در حین مذاکره برآورده کنند، به سایر افراد حاضر در جمع بی‌احترامی کرده و حقوق آن‌ها ا ضایع کرده‌اید.

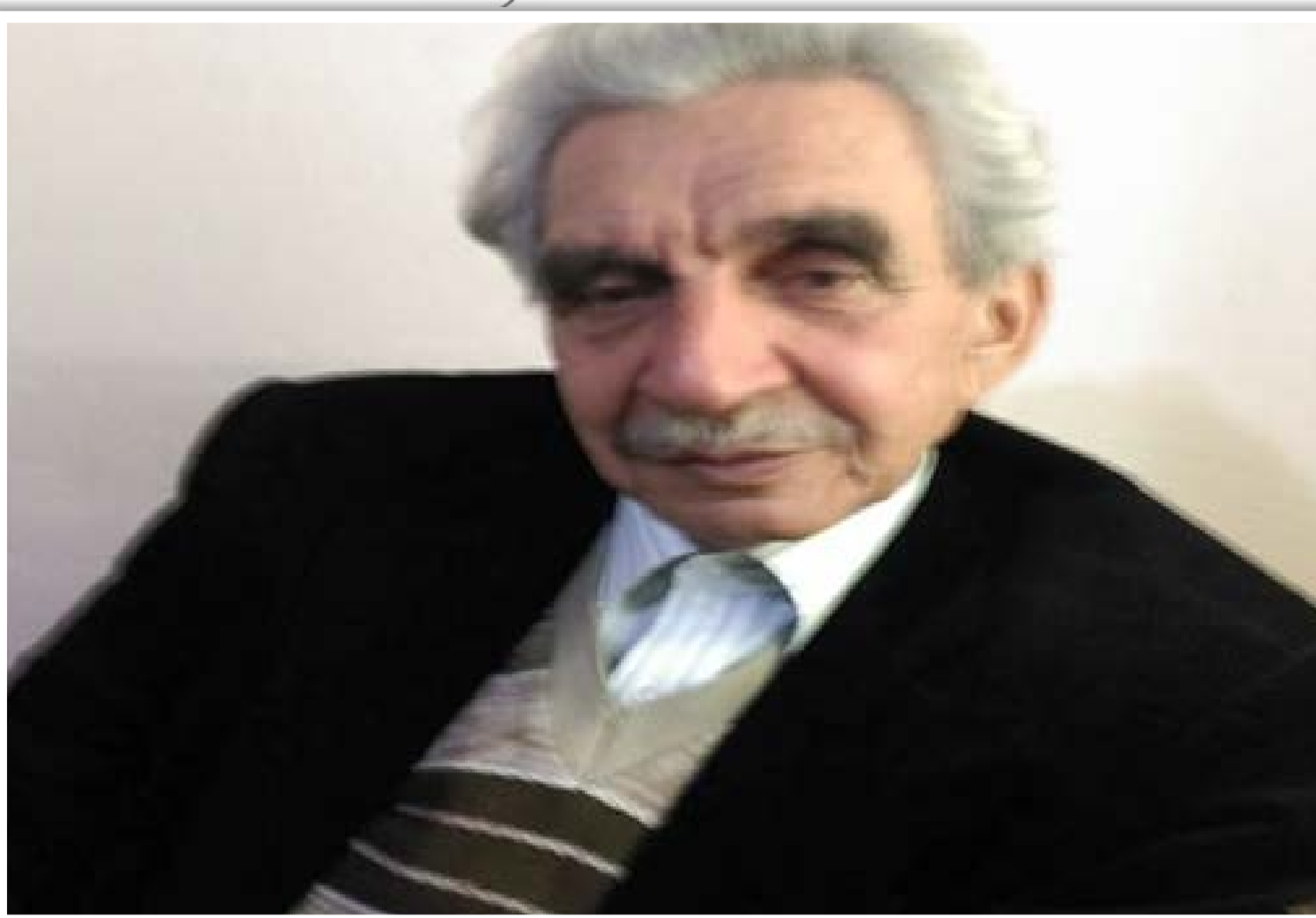
پژوهش گر، باستان شناس، بیدل شناس، مولانا شناس و عارفی بزرگ بود. شعرهای او در روزنامه های متعددی به نام های مستعار به چاپ رسیده است؛ اما نظر به شکسته نفسی بی که داشت، یک بار هم نخواست که آثارش به شکل مجموعه به چاپ برسد و سر شاعری داشته باشد؛ درست مثل «خیام» که در زنده گی اش به عنوان ستاره شناس، ریاضی دان و فیلسوف شهرت داشت، تا شاعری رباعی سرا. و در قرن سیزدهم میلادی بود که رباعیات او کم کم سر زبان ها آمد و به سرعت رباعیات اندک او جهان را تسخیر کرد و خیام را جهانی تر از شاعران دیگر ساخت و هنوز هم خیام بر سکوی شهرت نشسته است.

ای کاش کسی آثار استاد را به دست سربی چاپ بسپارد، تا دل باخته گان استاد همان طور که از حضورش فیضی ازلی می بردند و از عطر حرفش سرمست می شدند، از کتاب هایش نیز فیضی ازلی ببرند و چشمه چشمه بنوشند.

۵- به قول مولانا: «او با هفتاد و دو گروه یار بود». استاد نه تنها با شاعران؛ بل با موزیسین ها، عرفا، علمای دین، ژورنالیست ها، روزنامه نگاران، رییس ها، کسبه کاران و ... یار بود. هر از گاهی دسته دسته به دفتر کارش می آمدند و حل مشکلات می کردند و او برای همه راهکار می داد. وقتی سه - چهار روز به پیشگاهش حضور نمی یافتم، زنگ می زد و می گفت: «آذر کجایی؟ آیا رباعی کار می کنی؟ هر چه زوتر بیا که دلتنگ رباعیات شده ام...». به محض آن که حضور سبز و معطرش می رسیدم، بی درنگ می گفت: «آذر این هفته کدام کتاب را خواندی؟ چه طور بود محتوای کتاب؟ چه آموختی؟ برایم حکایت کن؟ و چند رباعی برایم بخوان.»

استاد عزیزم! حالا که نیستی، خود را به خلوت کدام پیر چله نشین بیندازم و چه طور سر از شانه بهت و سکوت بالا کنم؟ نه! نه! هیچ کس، هیچ کس نمی تواند جای آبی و آسمانی شما را پر کند. جای شما تا دنیا هست، تهی خواهد بود.

۶- باری از عزیزی شنیده بودم که احمد ظاهر هنرمند فقید کشور با استاد دوست صمیمی بوده است. یک روز از استاد از دوستی و رفاقت شان با احمد ظاهر پرسیدم. گفت: احمد ظاهر هنرمندی بود که هرگز در تاریخ موسیقی کشور تکرار نخواهد شد. و حکایت هایی از آن زمان کرد. دیدم که صورت ثانیه ها ترک خورد و شوقی بی محابا در کنارمان زانو زد. مات و مبهوت به چشم های استاد خیره شدم و یک باره هوای چشم های استاد ابری شد. لحظه ای سکوت کرد و بعد آهی کشید و گفت: «شعر مولانا را برایش نوشته به کابل فرستادم که این غزل معروفش بود: من غلام قمرم غیر قمر هیچ مگو... دوباره احمد ظاهر برایم نامه ای فرستاد که: استاد! تو مرا با عجب گنجینه ای معرفی کردی که تمام شعرهای خود آهنگ اند... من دیگر جز اشعار مولانا از شاعر دیگری نمی خوانم!»



یادی از آن پیر چله نشین

محمد اشرف آذر

پژواک ملایم او چون شبنم بر تن یاس، روح تازه می دمید.

۲- استاد محمد عمر فرزند، هم چون خورشید بر همه گان یکسان می تابید و همه را از نور خود سرشار می کرد و در خطوط ترک خورده ذهن همه، به ویژه شاعران با خط سبز شور و نشاط می نوشت. او با آب و آینه پیوندی ناگسستگی داشت و از جنس رویا و نسیم بود. من هیچ وقت هوای چشم هایش را خیس و ابری ندیده بودم و هرگز قامت کاجش را توفان های سمج نتوانست خم کند و یک بار هم نشنیدم و ندیدم که از بی مهری و کجتابی روزگار گله کند و خم به ابرو بیاورد. حال آن که ما همواره از دهر شکایت ها و حکایت ها داریم.

۳- استاد! هنوز باورم نمی شود که تو از این دیار کوچیده ای! وقتی به دفتر کارم می روم، یک باره به یاد می افتم و می خواهم نزدت بیایم تا بگویم که

۱- در اواخر سال ۱۳۹۰ بود که با پیر چله نشین دیدار من اتفاق افتاد و آن روز نخستین بار بود که با استاد محمد عمر فرزند آشنا شدم. او با عطر حرفش، حس دیگری بر آشنایی مان ریخت. هوای چشم هایش، حکایت از اضلاع اندیشه زردشت و گفتار نیک و پندار نیکش می کرد. وقتی حرف روی قالب های قشنگ و پُر ظرفیت رباعی و دوبیتی آمد، استاد محمد عمر فرزند یک باره به یاد شهید زنده یاد عبدالقهار عاصی افتاد و گفت: «عاصی کسی بود که در کشور نخستین بار رباعی ها و دوبیتی هایش از یک فضای صمیمی و بومی سرشار است.» او مثل صمیمیت صبح، عصر باد را بر تن خیس درخت ها می ریخت. وقتی استاد از شعرهای بیدل و مولانا حرف می زد و گرگوشایی می کرد، هوش من از هوش می رفت و به هوشم

«چرا این روزها کم تر به من سر می زنی؟» و من بهانه بی رو کنم. هنوز وقتی در صحن دفتر سیگار می کشم، حس می کنم که ناگهان از هر سو به سوی من می آیی و من سیگار نیمه تمام را در کف دست خاموش می کنم و شما با لبخند صمیمی از کنارم عبور می کنید تا نشود که من خجالت بکشم. استاد! هنوز می ترسم که بیایی و بگویی که «چرا پیرامون من چند سطر را سیاه کردی؟» زیرا می دانم که شما اهل تعارف نبودید. یادم هست که روزی گفته بودم می خواهم با مسولین حرف بزنم تا جاده ای به نام شما مسما سازند؛ دیدم که یک باره به شکل عجیبی لرزیدید و گفتید که این حق من نیست، حق استاد واصف باختری است. آه... آه... استاد گرامی! چه بگویم غم از دل برود چون تو بیایی!

۴- استاد محمد عمر فرزند شاعر، نویسنده،

آهنگ تمنا

بر خیز جوانا!
بر خیز چهار آمده بس دلکش و زیبا
از سینه گل ها
تا بام شریا
هر گوشه دل انگیز و صفا خیز و فریبا
در بزم جشن زخمه اسرار نواز
وز شور تو اها
دوشینزه گل ها
مستانه کند رقص و می سوز دل و دزد
تا کمی من و تو سوز
نوبید و ز خود رفته و می سوز دل و دزد
بر خیز جوانا!
ز ناله من غم خیز جوانا!

انسان فردا

من خداوندگار فردا
من رنگ و بوی بهار زیبا
باش! تا چشم خلق بکشایم
شور مستی خویش بنمایم
عشق، هنگامه جهان من است
کار، پروردگار هستی من است
آرزو، جلوه گاه جان من است
آرزو، آینه دار مستی من است
صبح فردا که نور چشم جهان
زنده گی را پر آفتاب کند
باز گردد جهان دوباره جوان
همه جا را پر انقلاب کند
هر چه بینی در آن، مرا بینی
هر چه عشق و آرزوی مرا
بیشتر از زمان مرا بینی
ذوق پر شور چیست و جوی مرا
خیره سوز چرخ مه به فضا
پیش خورشید زنده گانی من
آگرم و پر شور و آرزو افرا:
قلب من، عشق من، جوانی من

دو قطعه از محمد طیب باغبان



چرا دولت وحدت ملی ناکام شد؟

احمد عمران

کارکرد شش ماهه دولت وحدت ملی، نشانگر یک چیز بوده می‌تواند و آن این‌که: این دولت در تمام عرصه‌های کاری، دولتی ناکام بوده است. این موضوع سرانجام از زبان داکتر عبدالله به عنوان یکی از اساس‌گذاران این دولت نیز بیرون شد. داکتر عبدالله در کنفرانس «آینده حقوق بشر افغانستان» که هفته گذشته برگزار شد، حرف‌هایی زد که بیانگر اختلافات جدی در سطح دولت افغانستان بود. هرچند داکتر عبدالله تلاش کرد که بخشی از سخنان و انتقادات خود را در پوشش واژه‌گان دیپلماتیک بیان کند، ولی یک بخش اساسی این سخنان، از نارضایتی درونی آقای عبدالله پرده برمی‌داشت. سخنان آقای عبدالله نشان داد که حالا او نیز از ایجاد دولت وحدت ملی با چنین ساختار و تعریفی راضی بوده نمی‌تواند. داکتر عبدالله در سخنان خود گفت که از کارکرد شش ماهه دولت راضی نیست و می‌داند که مردم سرخورده و مأیوس شده‌اند.

دولتی که به دنبال جنجال‌های انتخاباتی در نتیجه یک توافق‌نامه سیاسی به وجود آمد، در نخستین ایستگاه خود با خطر سقوط مواجه شده است؛ اما این خطر قابل تأمل و بررسی است و باید به این سوال که چرا دولت وحدت ملی ناکام بوده است، پاسخی در حد توان و بضاعت ارائه کرد. به نظر می‌رسد چند عامل سبب بروز وضعیت فعلی شده است:

عدم اجرای دقیق توافق‌نامه سیاسی: در این‌که دولت وحدت ملی برآیند توافق‌نامه سیاسی میان دو تیم انتخاباتی است، هیچ جای شک و شبهه وجود ندارد. اما به نظر می‌رسد که یک جانب قضیه جایگاه خود را فراتر از توافق‌نامه سیاسی می‌بیند. وقتی شکریه بارکزی عضو مجلس نمایندگان به عنوان رییس کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی گماشته شد، در یک گفت‌وگوی رسانه‌ای در پاسخ به واکنش ریاست اجرایی نسبت به عدم پذیرش او به حیث رییس این کمیسیون گفت: «همان‌گونه که داکتر عبدالله با امضای اشرف غنی رییس اجرایی شد، من هم با همین امضا رییس کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی شدم». آن‌گونه که معلوم می‌شود، این سخن تنها به خانم بارکزی تعلق ندارد، بل از رییس‌جمهوری گرفته تا بیشتر اعضای تیم او به چنین باور کاذبی اندر شده‌اند که

در رهایی ۳۱ گروگان مسافر...

از فعالان مدنی از پنج روز پیش خیمه‌ای را برای تحصن و اعتراض به نامشخص بودن سرنوشت گروگان‌ها، در مرکز شهر کابل برپا کرده‌اند. داکتر عبدالله عبدالله، با بیان این که کارکردها در این خصوص با شرایط خاصی محدود شده گفت: «[گروگانگیری] به ذات خود یک مساله بزرگ و در سطح ملی مورد توجه قرار گرفته و دولت هم در بالاترین سطح مورد بررسی و پیگیری قرار داده است».

دولت در ۷ هفته گذشته به شدت تحت فشار خانواده‌های گروگان‌ها، مردم و رسانه‌ها قرار داشته است.

رییس اجرایی با اشاره به این‌که سوال‌های زیادی درباره گروگان‌گیری و تلاش‌های دولت برای

وضعیت رقت‌بار بیجا شده‌گان...

شماری از آنها خراب شده است و از تعداد دیگری در معرض تخریب شدن قرار دارد. به گفته این بیجا شده گان، حد اقل برای دو سال دیگر زمینه زراعت و مال‌داری در ولسوالی پریان از بین رفته و آنان نمی‌توانند در آنجا زنده‌گی کنند. همه بیجا شده‌گانی کی در منطقی باریک‌آب ولایت پروان مهاجر شده اند، ساکنان ولسوالی پریان ولایت پنجشیر هستند.

ولایت پنجشیر در زمستان امسال مورد هجوم برف‌کوج قرار گرفت. و لسوالی پریان به شمول دره‌های تل و آریب و لسوالی دره، بیشترین تلفات را داشته‌اند. کمک‌های زیادی به آسیب دیده گان ولایت پنجشیر صورت گرفت؛ اما از سامان دادن و به مصرف رساندن آنها خبری نیست. گرچه

یک جناح در نتیجه انتخابات به قدرت سیاسی دست یافته و یک جناح در نتیجه الطاف ملوکانه. آقای عبدالله در سخنرانی روز سه‌شنبه خود دقیقاً به این مسأله اشاره کرد و گفت که ریاست اجرایی را کسی برایش تحفه نداده است. وقتی برداشت از دولت فعلی در میان یک تیم چنین باشد، بدون شک توافق‌نامه سیاسی به حاشیه می‌رود و از کارکرد می‌افتد. در حالی که موفقیت نظام فعلی در اجرای مو به موی توافق‌نامه سیاسی است که میان رهبران دولت وحدت ملی امضا شده است. البته این را هم از نظر نباید دور داشت که داکتر عبدالله نیز در به وجود آوردن وضعیت کاذب فعلی، نقش و سهم خود را داشته است. او نیز اشتباهاتی انجام داده که توافق‌نامه سیاسی را به حاشیه رانده است. یکی از این اشتباهات که می‌تواند مدعش‌ترین آن‌ها باشد، ایجاد فرصت و اختیار کردن خاموشی در برابر اعتمادنامه‌یی بود که کمیسیون برگزاری انتخابات به آقای غنی داد. این اعتمادنامه نباید صادر و پذیرفته می‌شد؛ زیرا دولت فعلی مشروعیت خود را از یک نهاد فاسد و متقلب به نام کمیسیون انتخابات به دست نیاورده، بل این مشروعیت از طریق تفاهم سیاسی میان دو تیم انتخاباتی حاصل شده است. آن اشتباه و دادن فرصت به‌یقین که به چنین روزی می‌انجامد و این قابل پیش‌بینی بود.

خودکامه‌گی: در سرشت رییس‌جمهوری خودکامه‌گی موج می‌زند. او به هیچ صورت به تقسیم قدرت راضی نیست و تمام تلاش‌هایش معطوف به گرفتن کل قدرت در چنگ خویش است. از آقای غنی نمی‌توان انتظار داشت که بر اساس توافق‌نامه سیاسی به تقسیم قدرت راضی شود. او تمام سازوکارهای لازم را به کار می‌گیرد تا از ریاست اجرایی یک نهاد بدون صلاحیت و غیرمسئول بسازد. در شش‌ماه گذشته ثابت شد که نقش آقای غنی در قدرت چه‌قدر هست و از آقای عبدالله چه‌قدر. شاید به‌صورت ظاهر وزارت‌ها میان دو تیم تقسیم شده باشد، ولی آن کس که کل قدرت را در اختیار دارد، تنها یک فرد است و آن آقای غنی است.

بی‌اراده‌گی سیاسی: در این‌که آقای غنی و تیمش اراده سیاسی برای اجرای توافق‌نامه سیاسی ندارند، جای شک نیست. برای آقای غنی بهتر آن است که

هیچ توافق‌نامه سیاسی‌یی وجود نداشته باشد تا او بهتر بتواند بر قدرت سیاسی چیره شود. اما آن‌گونه که در شش‌ماه گذشته مشخص شد، در تیم آقای عبدالله نیز اراده لازم و قاطع برای اجرایی کردن توافق‌نامه سیاسی در عمل به‌وجود نیامده است. آقای عبدالله تنها در یک سخنرانی برخی انتقادات را متوجه رییس‌جمهوری و تیمش کرد، اما از این‌که چه‌گونه باید به توافق‌نامه سیاسی برگشت، هیچ حرف و سخنی به زبان نیاورد. وقتی یک‌طرف در پی کسب کامل قدرت باشد و آن را به نفع خود ببیند و طرف دیگر نیز سکوت اختیار کند، بدون تردید وضعیت به سمت بحران پیش می‌رود.

و اما چه باید کرد؟

چه باید کرد تا از وضعیت فعلی نجات پیدا کنیم و کشور دوباره سروسامان پیدا کند. فکر می‌کنم تنها گزینه، برگشت به توافق‌نامه سیاسی و به ویژه ماده مهم و اصلی آن، تغییر نظام است. در توافق‌نامه سیاسی، مکانیزم تغییر نظام از طریق برگزاری لویه جرگه اضطراری پیش‌بینی شده و از حالا باید تمام نیروها و جناح‌های موجود، خود را آماده سازند که به عنوان اهرم‌های فشار در اجرایی شدن این ماده توافق‌نامه سیاسی عمل کنند. به ویژه این‌جا مخاطب سختم، نخبه‌گان سیاسی کشور اند که وضعیت بحرانی فعلی را درک می‌کنند و توانایی بسیج افکار عمومی را به سمت اصلاح نظام دارند. هیچ‌گونه تأخیر و تعلل در اجرایی کردن این بند از توافق‌نامه نباید پذیرفته شود و یا به بهانه‌های واهی از آن صرف نظر صورت گیرد. افغانستان پس از سیزده سال تجربه نظام ریاستی به این نتیجه دست یافته که با چنین نظامی، عدالت و مساوات در کشور قربانی می‌شود. پس یک گزینه در برابر همه قرار دارد و آن، تغییر نظام از ریاستی فعلی به نظام پارلمانی حزبی است. اگر آقای عبدالله به اجرایی کردن این بخش از توافق‌نامه سیاسی موفق شود، بدون شک به یک پیروزی تاریخی نایل آمده. اما در غیر آن، به همین صورت فعلی هم می‌توان در کمتر از پنج سال آینده، شعار به خورد مردم داد و فکر کرد که نقش و مسولیت خود را به عنوان یک رهبر به‌سر رسانده است.

پیش از آن که آقای عبدالله به خیمه تحصن خانواده‌های گروگان‌ها حضور یابد، محمد اکبری، نماینده ولایت بامیان در مجلس نمایندگان از قول منابع امنیتی گفته بود که اقدام‌های مختلفی برای آزادی این گروگان‌ها صورت گرفته و حالا امیدواری‌ها برای آزادی آنها بیشتر شده است.

اتوبوس حامل این ۳۱ نفر روز ۴ حوت زمانی که از هرات به سوی کابل در حرکت بودند، در ولایت زابل از سوی افراد مسلح ناشناس متوقف شد و خود آنها به محل نامعلومی منتقل شدند.

تا حال در چند شهر دیگر از جمله بامیان، مزار شریف و نیلی مرکز ولایت دایکندی در مرکز افغانستان نیز راهپیمایی‌هایی در اعتراض به آنچه کم‌کاری دولت در زمینه رهایی این گروگان‌ها خوانده می‌شود، به راه انداخته شده است.

که مسولان در دولت وحدت ملی برای آنان سرپناه در نظر بگیرند و نیز از کمک‌های صورت گرفته در ساختن مجدد خانه‌های ویران شده در مناطق شان استفاده شود.

مهاجران می‌گویند که خطرهای ناشی از ریزش برف‌کوج‌ها هنوز پایان نیافته و خطر آمدن سیلاب‌های مدعش و ویرانگر نیز وجود دارد. آنان می‌گویند که برخی از خانه‌های ساکنان ولسوالی پریان در معرض خطر سقوط سنگ‌های بزرگ از کوه‌ها و ریزش کوه و کمر قرار گرفته است. دریا خیزی تهدید دیگری است که آینده زنده‌گی آنان را در آن ولسوالی در دو یا سه ماه دیگر به تهدید مواجه می‌کند. آنان از دولت و نهادهای خیره بین‌المللی تقاضا دارند که به حال آنان توجه کنند، ورنه با مشکلات زیادی در این منطقه (دشت باریک‌آب) مواجه خواهند شد.

بن بست در تشکیل دولت وحدت ملی



اعتراف صریح و روشن رییس اجرایی حکومت وحدت ملی مبنی بر فرصت‌سوزی‌های شش ماهه، بیانگر این حقیقت است که رهبری حاکمیت در ایجاد دولت وحدت ملی به بن بست رسیده است و بسیاری از گمانه‌زنی‌ها درست از آب برآمد.

هرچند بسیاری، به گونه اشتباه بحث ناکارآمدی دولت وحدت ملی و همچنان دو سره بودن حاکمیت را باعث این ناکامی می‌دانند، بدون اینکه متوجه باشند که هنوز نه دولت وحدت ملی متولد شده و نه هم تغییر نظام سیاسی قانوناً تثبیت گردیده است تا ایرادشان موجه نماید.

گذشته از این، با شناختی که طی مدت یک سال از مجریان حکومت داریم، برای یک لحظه تصور کنید که اگر فقط یک رییس‌جمهور از درون انتخابات بیرون می‌شد، امروز سرنوشت این ملت به کجاها می‌رسید؟

چراها و چند علل بن‌بست:

– نداشتن الزامات کافی و تصویر روشن از نحوه تشکیل دولت وحدت ملی بومی در افغانستان و بنابراین عدم ظهور رهبری ملی و زعامت ملی در کشور.

– انبارهای بیجا مانده از حکومتداری فاسد و مافیایی دوره آقای کرزی که تاهنوز به عنوان بزرگترین مانع و معضل قرار دارند. این فرهنگ فسادپرور سیاسی برای سالیان دراز سایه شوم خود را در مسیر توسعه کشور پهن خواهد کرد. – نبود احساس ملی، تفکر و عملکرد ملی و توسل به سیاست‌گری‌های شخصی، آجنداهای قومی و سیاست‌های منفعتی، در چارچوب همان فرهنگ منحط سیاسی سنتی و افغانی.

– وجود حاکمیت چند سره بی و آجنداهای مختلف درون دولت.

– تجارت سیاسی با استفاده از موقعیت استراتژیک کشور و نفوذ بی‌چون و چرای استخبارات خارجی. با این اعتراف روشن، بر رهبری حکومت است تا بیش از این با یک تفکر و نگاه نو، میکانیزم و نحوه کار جدید در همکاری با اندیشه و رزان کشور در جهت تشکیل دولت وحدت ملی واقعی اقدام نمایند.

در آغاز کار با یک تعریف روشن از دولت وحدت ملی، تناقض‌های ذهنی خود را مرفوع سازند. به گونه مثال، پس از این همه مدت قطعاً باید متوجه شده باشند که تشکیل دولت وحدت ملی در کشورها فقط در چارچوب نظام پارلمان محور، قانونی و ثابت مقدور است تا از حالت لرزان، تنش‌زا و پر از ابهام جلوگیری گردد، و یا تشکیل دولت وحدت ملی به معنی سهمیه‌بندی دوتا تیم از چوکی‌های اجرایی نیست، بلکه مشارکت بهترین‌های همه نیروهای تاثیرگذار در هر سه بخش، اجرایی، قضایی و قانون گذاری دولت، با دیدگاه‌های واحد و یکدست می‌باشد.

بنابراین، هرچه زودتر لویه جرگه اضطراری قانونی به منظور تغییر نظام سیاسی، تعیین جایگاه اقوام در رأس هر سه رکن دولت، فرا خوانده شود، تا اینکه مرجعیت تصمیم‌گیری مشترک، زعامت و رهبری ملی به وجود آید و نیز کابینه از این حالت نا بهنجار و به شدت سیاسی شده، بیرون شود و به اساس توانمندی مدیریتی، تخصص و تعادل تشکیل گردد. با این راهکارها می‌شود همه خود را صاحب خانه مشترک خود بدانند.

برگرفته از صفحه فیسبوک احمد ولی مسعود



پایان راه آلوس در بارسا؟

مدافع برزیلی بارسا حاضر نشد پیشنهاد تمدید قرارداد این تیم را بپذیرد.

دینورا سانتانا که مدیر برنامه‌های دنی آلوس است، اعلام کرد این بازیکن پیشنهاد بارسلونا برای تمدید قرارداد را رد کرده است. او در این زمینه گفت: برای تمدید قرارداد با باشگاه بارسلونا به توافق نرسیدیم. این در حالی است که قرارداد دنی در پایان فصل جاری تمام می‌شود.

سران باشگاه با نماینده آلوس دیداری داشته‌اند اما توافقی بین آنها حاصل نشد. درخواست آلوس از بارسلونا تمدید قراردادش به مدت سه سال و دریافت دستمزد کنونی‌اش بوده است. به نظر می‌رسد بارسلونا با درخواست مدافع خود موافقت نکرده است. آنها از سویی نمی‌خواهند دستمزد کنونی آلوس در سال‌های آینده به وی پرداخت شود و از سوی دیگر نیز اعلام کردند اگر آلوس در هر سال توانست در ۶۰ درصد از بازی‌های فصل بارسلونا حضور داشته باشد، قراردادش به شکل اتوماتیک برای فصل بعد از آن تمدید خواهد شد.

آلوس هم با پیشنهاد بارسلونا مخالفت کرده و به دنبال یافتن باشگاهی است که برای سه سال با او قرارداد



ببندد. سانتانا در این زمینه گفت: دنی از این اتفاق خیلی ناراحت است. من با باشگاه‌های دیگر صحبت کردم و اکنون هم پیشنهادهایی از چند باشگاه دریافت کرده‌ایم. می‌خواهیم بدانیم پس از این واکنش بارسلونا چیست. آنها پیشنهاد تمدید قراردادی برای یک سال به ما ارائه کردند که تمدید آن بر اساس حضور ۶۰ درصدی دنی در دیدارهای آن فصل است. چنین چیزی شدنی نیست. دنی به خاطر آخرین پیشنهاد بارسلونا خیلی ناراحت شده و به هیچ وجه هم آن را قبول نمی‌کند. فکر می‌کنم این پایان حضور دنی در بارسلونا باشد. او بیش از اینها از بارسلونا انتظار داشت.

سوارز: بازی در کنار مسی و نیمار مسوولیت مرا کم می‌کند

زیر می‌خوانید:

* به نظر تو آیا بارسلونا بهترین تیم دنیاست؟
بله به نظر من اینگونه است. با توجه به افتخارات و شیوه‌ای که بارسلونا دارد، به نظر من این تیم بهترین تیم دنیاست.

* اگر به بارسلونا ملحق نشده بودی، آیا حاضر بودی برای رئال مادرید بازی کنی؟
در فوتبال هرگز نمی‌توانید آینده‌تان را پیش‌بینی کنید اما شانس با من یار بود تا بارسلونا در خانها را بزند و برای همان تیمی که می‌خواستم بازی کنم. بازی برای بارسلونا رؤیای چندین و چند ساله من بود و در نهایت محقق شد.

* فکر نمی‌کنی که بازی در کنار مسی و نیمار شانس گلزنی تو را کم می‌کند؟
خیر. وضعیت دقیقاً عکس این است. به نظر من بازی در کنار این دو نفر یک امتیاز است و کار مرا آسان‌تر می‌کند، چون در سایر تیم‌هایی که بازی کرده‌ام بار مسوولیتی که به من سپرده می‌شد بسیار سنگین بود. در بارسلونا اما احاطه شدن توسط چنین بازیکنانی از بار مسوولیت من می‌کاهد.

* از بین مسی و رونالدو کدام را انتخاب می‌کنی؟

مسی.

* بارسلونا در لالیگا صدرنشین جدول است، در لیگ قهرمانان به مرحله یک چهارم نهایی راه پیدا کرده و فینالیست جام حذفی اسپانیا نیز شده است. آیا در رختکن بارسا چیزی درباره شانس قهرمانی سه‌گانه گفته می‌شود؟

خیر. در رختکن ما درباره قهرمانی در تمامی رقابت‌ها صحبت نمی‌کنیم اما از اینکه می‌توانیم چنین کاری را انجام می‌دهیم حرف‌هایی زده می‌شود.

* برخی می‌گویند که تو و هم‌تیمی‌هایت در بارسا بد بازی می‌کنید. این موضوع تو را متعجب نمی‌کند؟
خیر این چیزها واقعاً مرا متعجب نمی‌کند اما واقعیت این است که مردم به تماشای تیکی‌تاکا عادت دارند که یک شیوه جذاب برای ارائه فوتبال است. اتفاقی که اکنون رخ داده این است که در یک رقابت طولانی مدت اختلاف امتیازی تیم‌ها آنقدر کم است که این وضعیت شما را مجبور می‌کند شیوه بازی‌تان را مستقیم‌تر و نتیجه‌گراتر کنید و به کسب پیروزی فکر کنید تا ارائه بازی‌های جذاب.



ستاره اروگوئه‌ای خط حمله تیم فوتبال بارسلونا اعتراف کرد پیش از قطعی شدن انتقالش به جمع کاتالان‌ها، کلهکشان‌ها تلاش زیادی برای جذب وی انجام داده‌اند. لوئیس سوارز در گفت‌وگویی با شبکه رادیویی کادنا کوپه فاش کرد که علاوه بر بارسلونا، تیم فوتبال رئال مادرید نیز به شدت خواهان به خدمت گرفتن وی از لیورپول بوده است اما از آنجایی که رؤیای همیشگی‌اش بازی برای بارسلونا بوده است، به محض مطلع شدن از تمایل این تیم به جذب وی، بدون لحظه‌ای تردید آبی‌وآلارنی‌ها را به عنوان مقصد بعدی‌اش انتخاب کرده است. گفت‌وگوی سوارز با کادنا کوپه را در

زیرا جریان فاصله با توجه به میزان آمادگی بارسلونا نشدنی خواهد بود. کاسیاس در مورد شرایط اخیر خودش و این که در برخی از دیدارهای رئال مادرید به خاطر نمایش ضعیفی که ارائه کرده توسط هواداران 'هو' شده است و به احتمال زیاد در دیدار بعدی نیز نیمکت‌نشین خواهد بود نیز گفت: سرمربی برای این که بهترین تیم را به زمین بفرستد همه تصمیم‌ها را می‌گیرد. این چیزی است که همه بازیکنان تیم باید آن را بپذیرند. مهم‌ترین مساله این است که ما بتوانیم همه دیدارها را با پیروزی پشت سر بگذاریم و بارسلونا امتیاز از دست بدهد. هواداران نیز باید در همه دیدارها به حمایت از تیم بپردازند. همه هواداران، همه بازیکنان را دوست ندارند و برخی ممکن است در زمان‌هایی مورد انتقاد هم قرار بگیرند. باید این را پذیرفت.

بالا توانستیم در زمین حریف امتیاز بگیریم. تلاش بازیکنان حریف ستودنی بود. باید به نمایشی که ارائه کردند احترام بگذاریم زیرا خطرهای زیادی روی دروازه ما ایجاد کردند. خیلی خوب بود که در این دیدار سخت خارج از خانه امتیاز از دست ندادیم. با توجه به فاصله‌ای که با بارسلونا پیش آمده، اگر در هر دیدار امتیاز از دست بدهیم، باید با قهرمانی در این فصل خداحافظی کنیم.



کاپیتان رئال مادرید بر این باور است که اگر تیمش امتیازی از دست بدهد، باید با رویای قهرمانی در این فصل خداحافظی کند. هر چند رئال مادرید دیدار این هفته خود را نیز در لیگا با پیروزی پشت سر گذاشت اما همچنان با چهار امتیاز اختلاف نسبت به بارسلونا در رده دوم جدول رده‌بندی قرار دارد. بارسلونا با نتیجه چهار بر صفر در نوکمپ موفق به شکست آلریا شد تا فاصله ایجاد شده با نزدیک‌ترین رقیبش را حفظ کند. رئال هم در زمین رایوویکانو با دو گل به پیروزی رسید اما نتوانست خودش را به صدر جدول نزدیک کند.

ایگر کاسیاس در مورد شرایط کنونی رئال مادرید و دیدار مقابل رایوویکانو گفت: بازی کردن در زمین این تیم کاری دشوار بود و هر تویی که از دست می‌دادم، برایمان دردسرساز می‌شد. با قدرت و سازمان‌یافتگی

کاسیاس:
از دست دادن امتیاز
یعنی خداحافظ قهرمانی!

دومین نمایشگاه کتاب به مناسبت آغاز سال تحصیلی و بهار ۱۳۹۴

کتابستان

تخفیف ویژه ۱۰٪

ارائه کتاب‌های:
حقوق و علوم سیاسی
اقتصاد و مدیریت
جامعه‌شناسی و تاریخ
ادبیات و زبان‌های خارجی
طب و اینجینری
فلسفی، دینی و مذهبی
کتاب‌های آمادگی کنکور
وسایل و کتاب‌های هنری
نوشت افزار
کتاب‌های کمک آموزشی کودکان و نوجوانان
بازی‌های فکری و سرگرمی
مضامین درسی مکاتب
نرم افزار چاپ و صحافی

همراه با
بخش ویژه کودک و نوجوان

افتتاح نمایشگاه روز شنبه ۲۲ حمل ۱۰ صبح
زمان: ۲۲ ام ۲۸ حمل ۱۳۹۴
ساعت بازدید: ۸ صبح ام ۶ عصر

کلیتون یکشنبه کمپین انتخاباتی خود را آغاز می‌کند



رسانه‌های امریکا اعلام کردند که هیلاری کلیتون، وزیر خارجه پیشین امریکا قرار است به طور رسمی آغاز کمپین انتخاباتی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ امریکا روز یکشنبه اعلام کند.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، روزنامه نیویورک دیلی به نقل از منابع نزدیک به کمپین کلیتون اعلام کرد که وی احتمالا کمپین خود را از طریق رسانه‌های اجتماعی و ویدئو آغاز می‌کند.

این روزنامه اعلام کرد که کلیتون کمپین خود را با اتفاقات کوچک‌تر در ایالاتی که زودتر رای گیری انجام می‌دهند، آغاز می‌کند.

کلیتون پس از شکست خود در انتخابات ریاست جمهوری در مقابل اوباما در سال ۲۰۰۸ اعلام کرده بود که دیگر هرگز در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نخواهد کرد، اما مواضع وی طی سال‌های اخیر دچار تغییراتی شده است.

وی پیش از این قرارداد اجاره‌ای را برای دفتر جدید در منطقه بروکلین واقع در نیویورک به عنوان ستاد انتخاباتی امضا کرده بود.

پارلمان پاکستان همکاری نظامی

با عربستان در یمن را رد کرد



پارلمان پاکستان تصمیم گرفت این کشور در ائتلاف نظامی به رهبری عربستان در جنگ یمن مشارکت نکند.

به گزارش اسوشیتدپرس، پارلمان پاکستان روز جمعه با صدور بیانه‌یی از طرف‌های درگیر خواست مشکلات را از راه گفت‌وگوی صلح آمیز حل و فصل کند.

نمایندگان پارلمان پاکستان سرانجام پس از چند روز بحث به اتفاق آرا به قطعنامه‌یی رای دادند که براساس آن «پارلمان مایل است پاکستان در درگیری یمن بی طرفی اختیار کند تا بتواند یک نقش فعال دیپلماتیک برای پایان دادن به بحران ایفا کند».

قطعنامه پارلمان پاکستان یک روز پس از آن صادر شد که محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران به پاکستان سفر کرد تا در مورد درگیری های یمن با نواز شریف نخست وزیر پاکستان و سایر مقامات این کشور گفتگو کند.

ظریف ، پس از این گفت‌وگوها اعلام کرد ایران برای برگزاری گفتگوهای صلح که به برقراری یک دولت فراگیر در یمن بیانجامد آمادگی دارد. وی همچنین خواستار برقراری آتش بسی شد که شرایط را برای انتقال کمک های انسانی فراهم کند. ظریف گفت: «باید با هم کار کنیم تا به بحران یمن پایان دهیم».

نواز شریف نیز روز جمعه در نشست مشترک پارلمان حاضر شد تا موافقت خود را با تصمیم نمایندگان نشان دهد.

صدور حکم آزادی مظنون حملات بمبئی از سوی محکمه پاکستان

ذکی الرحمن لکهوی متهم است که حملات بر هتل «تاج محل»، یک مهمانخانه یهودی ها و ایستگاه قطار بمبئی را طراحی کرده است. در نتیجه این حملات و سه روز محاصره این اماکن، بیش از ۱۶۰ تن کشته شدند. پس از این حملات روابط دو کشور مجهز به سلاح اتمی پاکستان و هند بار دیگر تیره شد.

جنجال بر سر لکهوی

مقامات حکومت پاکستان صدور حکم رهایی لکهوی را تایید کردند اما گفتند که آنان علیه این حکم اقدام می‌کنند. نوید رسول، لوی سارنوال ایالت پنجاب روز پنجشنبه به خبرگزاری فرانسه گفت: «محکمه محترم حکم بازداشت لکهوی را معلق کرده است؛ ما گزینه های قانونی دیگر را جستجو می کنیم تا این تصمیم را بازمیانی کنیم».

در ماه دسمبر سال گذشته، این جنگجوی اسلامگرای ۵۵ ساله ضمانت ده هزار دالری ارائه کرد اما نواز شریف، نخست وزیر پاکستان تصمیم گرفت تا او سه ماه دیگر نیز در بازداشت بماند. این تصمیم پس از آن گرفته شد که دهلی نو بر سر این موضوع بر اسلام آباد فشار وارد کرد. هند همواره از پاکستان خواسته است تا فعالانه این دوسیه را پیگیری کند.

«اسرار دولتی»

به گفته ویکرام سود، رئیس سازمان استخبارات خارجی هند (راو)، پاکستان قصد داشت تا از سال ۲۰۰۱ تا مارچ ۲۰۰۳ لکهوی را در بازداشت نگه دارد. به گفته سود، مقامات می‌ترسیدند که مبادا این رهبر «لشکر طیبه» اسرار دولتی را در کدام محکمه با صلاحیت فاش کند.

سود به دوپچه وله گفت: «پاکستان ناتوان است که بتواند کدام اقدام جدی علیه تندروران درکشور انجام دهد. در طی سال ها این کشور زیر نفوذ القاعده و گروه های عملیاتی مختلف آن، و همچنان زیر نفوذ گروه های تروریست فرقه گرای سنی در آمد». پاکستان همواره هرگونه دخالت در حملات بمبئی را رد کرده است.



لکهوی متهم می باشد که مغز متفکر حملات ۲۰۰۸ بر بمبئی بوده است. مقامات حکومت پاکستان اما می گویند که در حال بررسی های قانونی هستند تا بتوانند او را در بازداشت نگه دارند.

رضوان عباسی، وکیل مدافع ذکی الرحمن لکهوی روز پنجشنبه تایید کرد که محکمه عالی لاهور دستورهایی لکهوی را صادر کرده است. عباسی به رسانه ها گفت: «قاضی انورالحق از محکمه عالی لاهور امروز حکم بازداشت موکلم، ذکی الرحمن لکهوی را به حالت تعلیق درآورد و دستور داد پس از آن که دو تن او را ضمانت کردند و هر کدام مبلغ یک میلیون روپیه (معادل ده هزار دالر) پرداختند، او آزاد گردد».

عباسی در ادامه افزود که «بازداشت هر کس بدون اثبات جرم بیش از ۹۰ روز غیر قانونی است».

لکهوی، یکی از رهبران بلند رتبه گروه ممنوعه «لشکر طیبه» یکی از هفت مظنونی است که مقامات پاکستانی آنان را مرتبط به حملات سال ۲۰۰۸ بمبئی می دانند. لکهوی از سال ۲۰۰۹ در بازداشت حکومت پاکستان بوده است.

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از ۱ الی ۳۰ روز	از ۳۱ الی ۸۰ روز ۲۰٪ تخفیف	برای ۱۸۰ روز ۴۰٪ تخفیف
۱	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	60 \$	48 \$	36 \$
۲	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۳	بندر در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	70 \$	56 \$	42 \$
۴	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	350 \$	280 \$	210 \$
۵	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	100 \$	80 \$	60 \$
۶	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۷	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز 400 \$	برای 14 روز 600 \$	برای 30 روز 1200 \$